

# افول اقتدار عثمانیان

## چهار کتاب در یک مجموعه

رضا دهقانی



○ کتاب اول: خاطرات سیاسی من / تألیف:

عبدالحمید دوم

○ کتاب دوم: فروپاشی دولت عثمانی / تألیف:

محمد صلاح الدین بیگ

○ کتاب سوم: آخرین پادشاه / تألیف: بیلماز

چتین ار

○ کتاب چهارم: سقوط اجتماعی عثمانیان /

تألیف: سعید حلیم پاشا

○ ترجمه: اصغر دلبری پور

○ مؤسسه فرهنگی ضریح

○ چاپ اول: بهار ۱۳۷۷

### پیش گفتار:

بحث فروپاشی امپراتوری عثمانی که بیش از پنج سده، حاکم بر بخش‌های پهناوری از سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا بوده است، همواره مورد توجه مورخان و عثمانی‌شناسان بوده و آثار بسیاری در این زمینه، توسط آنان نوشته و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در این میان، خاطرات شخصی و نوشته‌های رجال و شخصیت‌های سیاسی دخیل در جریان تاریخ، نه تنها برای استفاده تاریخ‌نگاران، که برای پژوهشگرانی هم، که می‌خواهند روند تغییرات و بازتاب حرکت‌های اجتماعی کشوری را دنبال کنند، مفید و گران قدر می‌باشد.

مجموعه **افول اقتدار عثمانیان**، مشتمل بر چهار کتاب است که به اجمال معرفی و بررسی می‌گردد:

### کتاب اول: خاطرات سیاسی من

تألیف: عبدالحمید دوم،

این کتاب، نخستین بار از سوی **ابن الامین محمود کمال**، با القای عربی در نشریه **بنیاد تاریخ ترک**، انتشار یافت. در سال ۱۹۶۰ انتشارات سلک (Selek)، مطالبی چند بر آن افزود و با عنوان **دفتر خاطرات عبدالحمید** به طبع رسانید.

عبدالحمید، سی و ششمین سلطان عثمانی و بیست و ششمین خلیفه اسلامی، از پادشاهانی است که عقاید و نظرات مختلفی درباره او ابراز شده است. بعضی چون اشرف - شاعر مشروطه - او را **سلطان قرمز** نامیده و برخی از او به عنوان **خاقان بزرگ** یاد کرده‌اند.<sup>۱</sup>

عبدالحمید، خاطرات خود را، نه برای شخص خود که متعلق به تاریخ دانسته و در خلال آن، به تبیین و توضیح مسایل مختلفی چون: غرب‌گرایی، پان‌اسلامیسم، ملیت‌گرایی و نوگرایی می‌پردازد. سلطان

سیاسی آن زمان، مشاهده می‌شود و مشکل بودن برقراری ارتباط میان آنها برای خواننده نیز، به همین جهت است. ترجمه فارسی خاطرات، از روی چهارمین ویرایش این اثر که **ح. صالح جان**، آن را از متن فرانسه تدوین و به زبان ترکی برگردانده، صورت گرفته است.

استقبال مردم ترکیه از این کتاب، به حدی بوده که در طول هفت ماه، سه مرتبه تجدید چاپ شده و نسخه‌های آن نایاب و مؤسسه انتشاراتی مجبور شده، در سال ۱۹۸۴، برای چهارمین بار به چاپ آن مبادرت ورزد.

### کتاب دوم: فروپاشی امپراتوری عثمانی

تألیف: محمد صلاح الدین بیگ،

فلسفه تاریخ نیز می‌تواند، پاسخگوی علل سقوط امپراتوری عظیم عثمانی که روزگاری، متجاوز از شصت میلیون انسان را در بیش از یازده میلیون کیلومتر مربع از خاک خود جای داده و در زمره پنج دولت مقتدر جهان به شمار می‌رفت، باشد. و آن دو پرسش مهم، عبارتند از:

۱- علل فروپاشی و سقوط امپراتوری عثمانی

۲- کیفیت و چگونگی سقوط

اثر حاضر، برای پاسخگویی به دو سؤال بالا به بررسی یکی از بحرانی‌ترین ادوار عثمانی پرداخته، با ترسیم چشم‌اندازی از تاریخ تفکر و اندیشه عثمانیان، تأثیر انقلابات فکری بر ساختار سیاسی کشور را بیان می‌دارد.

**محمد صلاح الدین بیگ**، از دولت مردان عصر حمیدی، در سال ۱۹۱۸ به انتشار خاطرات خود به زبان ترکی، تحت عنوان **آن چه از برپایی، اتحاد، ترقی و فروپاشی دولت عثمانی می‌دانم**، پرداخت که به جهت ترس از عثمانی‌ها، با عنوان **خاطرات**، در کشور مصر به چاپ رسید و **احمد وارول (varol)** به ترجمه و

عبدالحمید، بزرگ‌ترین و موفق‌ترین روایت‌گر دوران زمامداری خویش است. او در خاطرات سیاسی خود، به یادآوری ترفندهای دول بزرگ، در جهت تقسیم امپراتوری عثمانی، پرداخته و نشان داده که ابرقدرت‌های زمان، چگونه دست در دست هم به دریدن طعمه‌های زخمی اسیر، در دست خود پرداخته‌اند.

عبدالحمید در خاطرات خود، علاوه بر به تصویر کشیدن نیرنگ و تعدی دول متجاوز به حقوق یک ملت، به توصیف احتضار دولت بزرگی که حدود شش صدسال بر بخش پهناوری از کره زمین، حکم رانده می‌پردازد.

کتاب حاضر، علاوه بر بیان خاطرات، خواننده را با پاره‌ای از مسایل سیاسی نظیر عوامل مؤثر در انحطاط امپراتوری عثمانی آشنا می‌کند.

فصول اصلی کتاب، به جز پیش‌گفتار و مقدمه (که بخش اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد) مشتمل بر پنج فصل است:

فصل اول: سیاست داخلی

فصل دوم: سیاسی، خارجی

فصل سوم، سیاست اسلامی

فصل چهارم: سیاست انقلابی

فصل پنجم: شخصیت

این اثر که به عنوان نخستین خاطرات عبدالحمید، شهرت یافته، فاقد ویژگی‌های لازم، برای یک کتاب خاطرات است. بدون شک، کلام، از آن عبدالحمید است ولی محتوای اثر؛ محدود به شرح حوادث دوره‌ای کوتاه است. چرا که پادشاه، در زمان فراغت به تقریر وقایع به صورت یادداشت‌هایی کوتاه به **بسیم بیگ** (از مقربین شاه)، می‌پرداخته است. فواصلی هم که در بیان حوادث

ویرایش آن پرداخت و در سال ۱۹۸۹، توسط انتشارات انقلاب به فارسی ترجمه و منتشر گردید. نگارنده در پیش‌گفتار خاطرات خود می‌گوید: «هرچند، خود من نیز تحصیل علم سیاست نکرده‌ام، اما مدت بیش از چهار سال که در باب عالی با رجال دولت و اهل سیاست، معاشرت داشتم، حوادثی را که جریان می‌یافت از نزدیک دیده و بررسی کرده‌ام و افزون بر آن به بررسی اسناد مربوط به گذشته نیز، توفیق داشته‌ام.



اینک آن چه را از گذشته، حال و آینده کشورم فرا گرفته‌ام، به ملت خود تقدیم می‌نمایم.<sup>۲</sup> برخی از عناوین خاطرات، عبارتند از: جمعیت اتحاد و ترقی چگونه به وجود آمد، صدارت توفیق پاشا، فتوای خلع عبدالحمید دوم، بهانه ایتالیا برای شروع جنگ، مراجعت سربازان از بالکان، دولت عثمانی وارد جنگ جهانی می‌شود، دو سند در متن سخنرانی در کنگره صهیونیست‌ها، آخرین چاره: اعلان جهاد مقدس. نویسنده، در خلال این فصول علاوه بر توضیح و تحلیل تاریخی مسایل به بیان نقش خویش در حوادث و جریان‌های تاریخی نیز پرداخته است.

### ۳- کتاب سوم: آخرین پادشاه.

تألیف: ییلماز چتین‌ار،

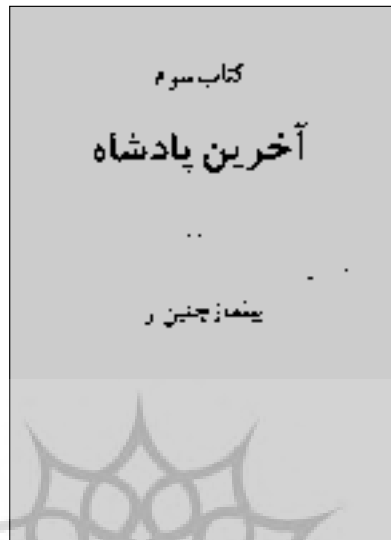
نویسنده به ماجرای عزل وحیدالدین رشاد - آخرین پادشاه و خلیفه عثمانی - و شرح آخرین روزهای تبعید وی پرداخته، شرح حال وحیدالدین رشاد را در پیوند با فعالیت‌ها و اقدامات **آتاتورک**، جهت اخراج اشغالگران یونانی و ایتالیایی بیان داشته، به توضیح سیاست بریتانیا و حالات درونی خلیفه در آخرین روزهای خلافت می‌پردازد.

نویسنده همچنین، عزل خلیفه را از سلطنت، طبق یک برنامه از پیش تعیین شده دانسته، به کودتای کمالیستی منسوب می‌دارد. کودتایی که زمینه را برای عزل خلیفه از مقام معنوی خلافت، هموار ساخت<sup>۳</sup> و آتاتورک، این کار را قدم به قدم و نه یک باره به انجام رساند تا بتواند ترکیه را با نظام سکولار پیوند بزند.

سپس نویسنده، به رابطه وحیدالدین رشاد و جمعیت اتحاد و ترقی که پس از **معاهده مندروس** (۳۰ اکتبر ۱۹۱۸) و پیوستن عثمانی به دول مغلوب در

جنگ جهانی اول و سرانجام به گریز سران اتحاد و ترقی - **طلعت پاشا، انور پاشا و جمال پاشا** - و فروپاشی جمعیت و پر کردن خلاء حاصل توسط آتاتورک اشاره می‌کند.<sup>۵</sup>

نویسنده در بخش‌های پایانی به توصیف وضعیت جسمانی و روحانی خلیفه که به تبعیدی خود خواسته تن داده بود، پرداخته بیان می‌دارد: خلیفه، همواره منتظر عفو و بازگشت به ترکیه بود. انتظاری که هیچ‌گاه، به سر



نیامد و پادشاه در حسرت و عسرت چشم از جهان فروبست و جنازه‌اش، به ترکیه رجعت داده شد.<sup>۶</sup>

### ۴- کتاب چهارم: سقوط اجتماعی عثمانیان

تألیف: سعید حلیم پاشا،

سعید حلیم پاشا، از رجال دولت عثمانی، در سال ۱۸۶۳ در قاهره متولد شد. پدرش - حلیم پاشا - از نخست وزیران دولت عثمانی و جدش - محمدعلی پاشا، والی مصر بود.

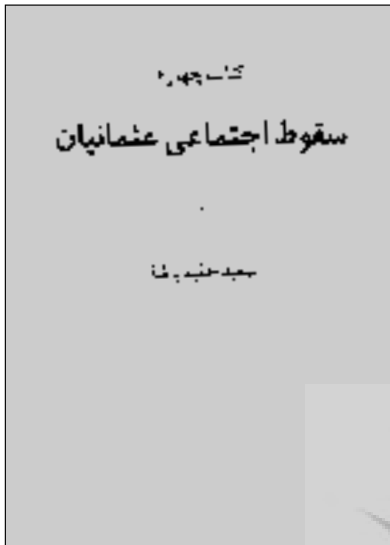
سعید حلیم پاشا، تحصیلات عالی خود را در سوئیس به پایان برد و پس از بازگشت به عضویت مجلس اعیان درآمد. سپس به ریاست شورای ملی منصوب و پس از آن کاتب عمومی جمعیت اتحاد و ترقی گشت و در نهایت وزیر امور خارجه شد. اما پس از جنگ جهانی اول به اتهام مسؤؤل جنگ بودن، محاکمه و به مدت دو سال به **مالتا** تبعید شد. پس از سر آمدن دوران تبعید، در رم، رحل اقامت افکند و سرانجام در ۶ دسامبر ۱۹۲۱، توسط یک شخص ارمنی به قتل رسید.<sup>۷</sup>

سعید حلیم پاشا، با زبان‌های عربی، فارسی، انگلیسی و فرانسه آشنایی کامل داشت. کتاب حلیم پاشا، نخستین بار در سال ۱۳۲۹ ه. ق. به چاپ رسید. نویسنده، در این کتاب با نگاهی به پیشینه قانون‌خواهی، به تدوین قانون اساسی در سال ۱۸۷۶ اشاره کرده و آن را دستاورد نخبه‌ها و تجدیدگرایان می‌داند که فشارهای خارجی، آن را بر ملت و سلطان تحمیل نمود. با این وجود انقلاب ۱۹۰۸، قانون اساسی را به خود نسبت داد.

پس از آن، نویسنده به نقش قانون اساسی در انقلاب مشروطیت اشاره کرده، قانون اساسی عثمانی را مخالف با ساختار و وضع اجتماعی امپراتوری دانسته و

می‌افزاید: گویا قانون اساسی عثمانی، به عنوان مظهر بی‌چون و چرای آزادی‌خواهی بر آن بود تا به آحاد ملت عثمانی و مردم پهن دشت عربستان، آن اندازه آزادی و حقوق سیاسی عطا کند که اغلب ملل متمدن امروزی، بدان دست نیافته‌اند.<sup>۸</sup>

همچنین نویسنده، در هفت بخش مجزا، به طرح و بیان مسایلی چون: بحران اندیشه، بحران اجتماعی، شرایط اجتماعی، آزادی زن، تعصب اسلام‌گرایی،



برداشت اجتماعی اسلام، برداشت سیاسی اسلام پرداخته، می‌کوشد به نقد مواضع تجدیدگرایان و قوانین جاری عثمانی بپردازد و به دنبال آن به وضع و عرف جامعه عثمانی اشاره کند.

نویسنده، در جای جای اثر خود، می‌کوشد مسایل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را از دیدگاه اسلام بیان نموده و اسلام را مکتبی اجتماعی - سیاسی می‌داند که می‌تواند پاسخ‌گوی تمام نیازهای انسانی عصر جدید باشد.

نویسنده، در پایان هر بخش، نتیجه‌گیری کرده و به بیان عقاید سیاسی - اجتماعی خود در قالب نتایج حاصله پرداخته است.

پی‌نویس‌ها:

۱- برای آگاهی بیشتر در مورد عبدالحمید دوم، رک: عایشه عثمان اوغلو: آتام عبدالحمید، استانبول، ۱۹۲۴. احمد رفیق: سلطان عبدالحمید اولی سی، استانبول، ۱۹۱۸. عبدالرحمن، شرف: ایکینچی سلطان عبدالحمید حکایتی، استانبول ۱۹۲۸.

Lutfisemavi: 'OSmanli saryison gunler', Istanbul, ۱۹۳۰.

۲- عبدالحمید دوم، خاطرات سیاسی من (مقدمه مترجم)، ص ۱۵

۳- محمد صلاح‌الدین بیگ: فروپاشی امپراتوری عثمانی، ص ۲۵۵

۴- ییلماز چتین‌ار: آخرین پادشاه، ص ۴۷۰

۵- همان، ص ۴۸۹

۶- همان، ص ۴۹۴

Y-lbnal amin mehmed kemal, son sedrazam, Istanbul, ۱۹۸۲. cild ۳. ۵۰۹۷.

۸- سعید حلیم پاشا: سقوط اجتماعی عثمانیان، ص ۵۹۱